

## ملاحظات در باره انتساب کتاب «الطب النبوی» به ذهبی

کتاب «الطب النبوی» منسوب به ذهبی یکی از آثار است که در امتداد نگارش مجموعه‌های روایی با موضوع سلامت (جسم، روح و روان) و بهداشت در کلام نبوی (ص) و همچنین آثاری که در زمینه «طب دینی / شرعی / روایی» به ویژه پس از قرون میانه به رشته تحریر در آمده گردآوری شده است.<sup>۱</sup> دکتر عبدالحکیم الأنیس در مقاله‌ای که به سال ۱۹۸۹م در مجله «الإجتهد» بغداد به چاپ رسان

د، ضمن نقد کتاب «الطب من الکتاب والسنه» که در سال ۱۹۸۶م توسط دارالمعرفه بیروت و با تحقیق و تعلیق دکتر «عبدالمعطی امین قلجی» به عنوان اثری از «عبداللطیف البغدادی» به چاپ رسیده بود آن را عیناً همان کتاب «الطب النبوی» منسوب به ذهبی دانسته که البته ارائه شواهد بیشتر را به نوشتاری دیگر موقوف کرد.<sup>۲</sup> او سپس در مقاله‌ای دیگر تلاش کرد تا نشان دهد نسبت کتاب «الطب النبوی» به ذهبی نیز اساسی ندارد و هرگز نمی‌توان او را مؤلف کتاب دانست. نگارنده پیش از پرداختن به نقد و بررسی کتاب به نقل‌هایی که اتفاقاً با آنها مواجه شده و او را در تعیین مؤلف کتاب یاری رسانده اشاره کرده است. برای نمونه از کتاب «الجواهر المنضد فی طبقات متأخري أصحاب أحمد» اثر یوسف بن الحسن بن عبد الهادی المعروف بابن المبرد (۸۴۰-۹۰۹هـ) یاد کرده که در آن درباره دانشمندی به نام «داود المتطبب» نوشته است. بر پایه این گزارش، داود متطبب مسیحی بود و به دست ابن تیمیه اسلام آورد. ابن المبرد همچنین او را صاحب کتابی به نام «الطب النبوی» دانسته که بر پایه روایات احمد بن حنبل نگارش شده است. آنگاه محقق کتاب (دکتر عبدالرحمن

۱. برای یافتن اطلاعات بیشتر درباره این مفاهیم ن.ک: میرحسینی، جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طبیبی، مقاله «مروری تاریخی بر مفهوم و جایگاه طب النبوی و طب الأئمه»، ص ۷۵-۵۷.

۲. از دوست دانشمند، جناب آقای دکتر حامد آرزایی بابت معرفی این مقاله سپاسگزارم.

العثیمین) در حاشیه به کتاب «المعجم المختص بالمحدثین» ذهبی اشاره کرده است. طبق گزارش عبدالحکیم الأنیس در آن کتاب اینگونه آمده است: «داود بن ابی الفرج، الشیخ العالم الدمنهوری الدمشقی الطیب... أسلم سنة إحدى وسبع مئة، وحفظ القرآن، وتفقه، وتعبّد، وسمع من جماعة، ونسخ صحيح البخاري وأتقنه، ونسخ كتباً وأوقفها، وارتقى بالمعالجة، وكان تقياً مخلصاً، توفي سنة سبع وثلاثين وسبع مئة عن أربع وستين سنة».

الأنیس سپس به مقایسه اجمالی محتوای «الطب النبوی» با آنچه درباره داود متطبب وجود دارد پرداخته است:

۱. اسلوب کتاب به گونه ایست که توسط یک «پزشک» نگارش شده نه توسط محدث ناقدی همچون ذهبی.
۲. مؤلف کتاب حنبلی است نه شافعی، حال آنکه ذهبی به اتفاق گزارش هایی که درباره او وجود دارد بر مذهب شافعی بوده است.
۳. ظاهراً هیچیک از کسانی که درباره ذهبی سخن گفته کتابی در طب نبوی برای او بر نهمرده است.

او همچنین به تناقضات موجود در کتاب به صورت کلی اشاره کرده که البته شایسته است پژوهش وی تکمیل و مستند گردد. برای نمونه در کتاب روایاتی وجود دارد که نگارنده آن به آنها استناد کرده حال آن که ذهبی در «میزان الاعتدال» همان روایات را ضعیف و منکرو... خوانده است. برخی شواهد دیگر عبارتند از:

۱. در کتاب روایتی از ابن عباس درباره غسل با آب آفتاب خورده آمده است.<sup>۳</sup> نگارنده کتاب در ادامه حدیث اینچنین گفته است: «قال أهل العلم بالحدیث: هذا حدیث موضوعٌ وصدور این کلام از ذهبی که خود از بزرگترین محدثان بود بعید به نظر می رسد و با اسلوب وی و همچنین سایر محدثان در بیان احادیث و استشهاد به آنها سازگار نیست.
۲. برخی عبارات کتاب، نشان دهنده آن است که نویسنده اثر، «پزشک» بوده است. مانند آنچه درباره تحریم آمیزش در زمان حیض آمده است: «لأن هذا الدم هودمٌ فاسدٌ فیضربُ بذكر الرجل ویقرحُه، وقد رأیتُ ذلك». این تعبیر اخیر و استناد به مشاهدات پیشین، نشان دهنده آن است که نگارنده پزشک بوده است و نسبت آن به ذهبی چندان موجه به نظر نمی رسد.
۳. شاهد دیگر برای مورد پیشین این عبارت است: «وقد سألني بعضُ الأخوان أن أذكر له شيئاً من التشریح، وكيف یصلُ الغذاءُ إلى الأعضاء فأجبت سؤاله». طرح پرسشی اینچنین تخصصی از ذهبی نیز بعید به نظر می رسد.

۳. قال ابنُ عباس: من اغتسلَ بماءٍ شمسٍ فأصابه وضحٌ فلا یلومنَ إلا نفسه

پس از این نقد درونی، عبدالحکیم الأنیس به نسخی اشاره کرده (یکی در مصرد دیگری در ترکیه) که بر روی آنها نام نویسنده حقیقی اثر نوشته شده است. مثلاً بر روی غلاف نسخه مصری اینگونه نوشته شده است: «کتاب فی الطب النبوی للشیخ الإمام العالم العلامة الشیخ داود بن أبی الفرج الحنبلی الدمشقی المتطبب» الأنیس همچنین به افراد دیگری اشاره کرده که کتاب به آنها نسبت داده شده است:

۱. أبو الفرج ابن الجوزي (ت: ۵۹۷ هـ)

۲. ابن قیم الجوزیة (ت: ۷۵۱ هـ)

۳. جلال الدین السیوطی (ت: ۹۱۱ هـ)

اما این انتساب‌ها را اشتباه دانسته و دلایلی را به گونه موجز برای هر یک ذکر کرده است. برای نمونه به نکته مهمی درباره نسبت دادن کتاب به «سیوطی» (مانند آنچه در کتاب کشف الظنون آمده) اشاره کرده است: «نسبت کتاب به سیوطی آنچنان که در کشف الظنون آمده قطعاً اشتباه است. زیرا مؤلف یقیناً در قرن هشتم می‌زیسته است. (به این دلیل که) چهار نفر را به عنوان شیوخ خود نام برده که همگی در همان دوران بوده‌اند:

۱. إِبْرَاهِیم الرقی (ت: ۷۰۴ هـ)

۲. عماد الدین الواسطی (ت: ۷۱۱ هـ)

۳. ابن تیمیة (ت: ۷۲۸ هـ)

۴. المزی (ت: ۷۴۲ هـ)

مضاف بر آن که این کتاب با دو اثر او در طَبِّ نبوی متفاوت است.

در پایان نیز مواردی را به عنوان منشأ احتمالی اشتباه ذکر کرده است:

۱. ممکن است ذهبی نسخه‌ای از این کتاب را با خط خودش نوشته و این توهم را ایجاد کرده که کتاب برای اوست.

۲. محتمل است که کسی فصل پایانی کتاب - آنچنان که در یک نسخه اینگونه است - را دیده باشد که در آن مؤلف، سخنی را از ذهبی نقل کرده و پس از نقل آن نوشته است: «تَمَّ کلام ابن الذهبی». بنا بر این گمان شده است که نویسنده کتاب ذهبی است.

این کتاب از سال ۱۸۷۰م بارها با نام ذهبی به چاپ رسیده و الأنیس اظهار امیدواری کرده که از این پس با نام مؤلف حقیقی آن «داود بن ابی الفرج الدمشقی» به چاپ برسد.

گرچه برخی ادعاهای مطرح شده در این نوشتار نیازمند یافتن مستندات بیشتر و قوی‌تر است اما آنچه اهمیت دارد همان نگاه نقادانه و توجه به ابعاد گوناگون است که پیش از انتساب یک کتاب به مؤلف آن باید در نظر داشت.